مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران تاکید کرد؛

جلوگیری از ساخت‌وسازهای بدون پروانه در محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی

بازدید میدانی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران و هیئت همراه از بافت و بناهای تاریخی و محدوده بافت‌های ناکارآمد و سکونتگاه‌های غیررسمی شهرستان مشکین‌شهر مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران گفت: روح غرور ملی برای هر ایرانی در بافت‌های تاریخی به‌عنوان سند رسمی دوره تاریخی زنده و شکوفا است

به گزارش پیام آشنا، عبدالرضا گلپایگانی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران و هیئت همراه در اولین روز سفر به استان اردبیل با حضور در شهرستان مشکین‌شهر با همراهی معاون مسکن و ساختمان راه و شهرسازی استان اردبیل و مدیران شهرستان مشکین‌شهر در بازدید از قلعه تاریخی کهنه قلعه که یکی از آثار تاریخی بقی‌مانده از دوره سلسانیان در شهرستان مشکین‌شهر بوده و از جاذبه‌های گردشگری محسوب می‌شود، اظهار داشت: متأسفانه این قلعه تاریخی که با سنگ‌نوشته‌ای متعلق به دوره سلسانی به‌عنوان سند رسمی و قطعی متعلق به دوره تاریخی است مورد توجه جدی واقع نشده و این سند ملی و این افتخار ملی و افتخار مردم مشکین‌شهر نیاز به توجه جدی دارد.

وی گفت: مقرر شد با همکاری شهرداری مشکین‌شهر نسبت به تهیه طرح مطالعاتی، اقدامات اجرایی برای بهبود وضعیت و بازآفرینی محدوده قلعه کهنه آغاز گردد.

معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران به سکونتگاه‌های غیررسمی شهرستان مشکین‌شهر اشاره کرد و افزود: در محدوده‌های سکونتگاه‌های غیررسمی شاهد ساخت‌وساز بدون پروانه و خارج از روال قانونی بودیم، اتفاقی که آینده ناخوشایندی از جهت کالبدی از جهت اصول ترافیکی جمع‌آوری فاضلاب و مسائل حاد اجتماعی برای شهر مشکین‌شهر خواهد داشت.

گلپایگانی تأکید کرد، در وهله اول و سنگر مقدم شهرداری مشکین‌شهر از ساخت‌وسازهای غیرمجاز جلوگیری کند تا این که این روند ناخوشایند متوقف شود.

وی ادامه داد: بمضلور جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز و عوقب آن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهرستان مشکین‌شهر، بصورت جدی نسبت به فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی ساکنان آن در دستور کار اداره کل راه و شهرسازی استان اردبیل به‌عنوان متولی بازآفرینی شهری و شهرداری مشکین‌شهر قرار گیرد.

معاون وزیر راه و شهرسازی با تأکید بر رعایت اصول شهرنشینی در ساخت‌وسازها گفت: در ساخت‌وسازهای بی‌رویه در سکونتگاه‌های غیررسمی که بدون پروانه و بدون رعایت اصول فنی و مهندسی ساخته شده می‌شوند در آینده با یک اتفاق ناگوار ممکن است تبدیل به یک بحران اجتماعی شده و نخواسته انفاقات تلخ و ناگواری برای مردم فراهم کند.

انتصابات جدید در شهرداری کرج رقم خورد

شهردار کرج با صدور احکامی جداگانه، تغییراتی در سطوح معاونین و مدیر کل حوزه شهردار ایجاد کرد. این تغییرات با هدف ارتقای خدمات‌رسانی به شهروندان، انجام شد.

به گزارش پیام آشنا، با صدور احکامی از سوی شهردار کرج، تغییراتی در بدنه مدیریتی شهرداری کرج ایجاد شد.

بر اساس این احکام، احداله احمدی پرگو به عنوان معاون شهرسازی و معماری، عباس سعیدی‌کیا به عنوان مشاور شهردار و مدیرکل حوزه شهردار، محمدرضا ناصرخاکی به عنوان مشاور عالی و دستیار ویژه شهردار در امور عمرانی و همچنین علیرضا عقایی با حفظ سمت به عنوان معاون فنی و عمرانی شهرداری کرج منصوب شدند.

مراسم معارفه و تودیع این مدیران در دفتر قائم‌مقام شهردار انجام شد.

در این مراسم افراسیاب شجاعی با اشاره به عملکرد خوب مجموعه مدیریت شهری در فعالیت‌های عمرانی، فضای سبز، کاهش زمان صدور پروانه ساخت و بافت‌های فرسوده، ضمن تقدیر و تشکر از فعالیت‌های انجام شده، برای نامبردگان در سمت جدید آرزوی موفقیت کرد.

دیدگاه

وظیفه‌ی یک معمار این است: ژرف‌اندیش باشد و به جامعه کمک کند

فرانسین هوبن

مردم غالباً معمارانِ را به واسطه‌ی سبکی خاص می‌شناسند. این امر مورد علاقه من نبود. من معتقدم وظیفه‌ی یک معمار، آنطور که من می‌خواهم معمار باشم، این است که ژرف‌اندیش باشد و به جامعه کمک کند. من به نیازهای جامعه نگاه می‌کنم و اگر به کارهای دفتر مانگاه کنید، [می‌بینید که] ما با مسکن اجتماعی و احیای شهری شروع کردیم زیرا می‌خواستیم آنها را تغییر دهیم. سپس فکر کردم: «فضای عمومی در شهر به خوبی طراحی نشده است». بنابراین شروع به طراحی فضای عمومی کردم. و سپس به واسطه‌ی ساختمان‌های آموزشی دیدم که به چشم‌انداز بزرگتری نیاز داریم؛ بنابراین شروع به طراحی ساختمان‌های آموزشی کردیم. [بعدتر] به مسئله‌ی مهم «پویایی» رسیدم و استاد دانشگاه شدم. در هر زمان، سعی کردم چیزهای جدیدی را توسعه دهم که به خوبی با نیازهای جامعه مرتبط باشد. برای من، این از نظر فکری بسیار جالب است و در عین حال، این همان نقشی است که می‌خواهم داشته باشم: یک خدمتگزار برای جامعه به شیوه‌ای ژرف‌اندیشانه (در گفت‌وگو با **Julia Gamolina**، منتشر شده در وبسایت **Madame Architect**، سال ۲۰۲۰)

منبع: گفتار

گزارش کارگاه "صلح در شمار آید" به میزبانی موزه صلح تهران

هر کلمه؛ پلی به سوی فهم و هم‌زیستی

نسترن کیوان‌پور- اولین چیزی که در موزه صلح چشمم را گرفت یک تابلو بود. ساده. مینیمال و بی‌هیچ حاشیه‌ای: خطی که نبض راشنان می‌داد، بعد انفجار، بمب اتم، و بعد... سکوت خط صاف و مرگ...

همین تابلو انگار پیش‌درآمدی شد برای آنچه قرار بود در کارگاه «صلح در شمار آید» تجربه کنیم؛ روایتی فشرده از شکنندگی حیات و ضرورت ساختن دوباره‌ی معنا در جهانی پر از خشونت.

کارگاه عصر دوشنبه ۲۷ مردادماه ۱۴۰۴ با حضور اعضای پروژه «قصه‌های صلح کودکان» به میزبانی موزه صلح تهران و با تسهیلگری منا بادامچی‌زاده و هلیا اسدی قشار برگزار شد؛ جمعی که می‌خواستند به یک زبان مشترک برسند.

شروع برنامه با معرفی کوتاه شرکت‌کنندگان بود: هرکس باید یک کلمه درباره‌ی صلح می‌گفت و سه جمله درباره‌ی خودش. ساده به نظر می‌رسید، اما همان چند جمله‌ها پر از تفاوت بود. صلح برای یکی امنیت بود و آشتی با خود، برای دیگری حس مادر و فرزند و برای آن یکی فرصتی برای بازسازی فردی شاید.

"گفت‌وگو با کسی که عزیزانت را کشته قدرتی فرا-انسانی می‌خواهد"

بخش اول کارگاه، تلفیقی بود از نمایشگاه و یادگیری. نمایشگاهی با عنوان Peace Counts یا "صلح در شمار آید" با ۲۵ پوستر بین‌المللی درباره‌ی فعالان صلح؛ هرکدام تصویری از تلاشی انسانی برای مقاومت در برابر جنگ و نفرت.

وظیفه ما این بود که عکسی را انتخاب کنیم و درباره‌اش حرف بزنیم. عکس‌ها را نگاه می‌کردم تا چشمم یکی را بگیرد. ایستادم جلوی عکسی درباره‌ی روانه؛ زنانی با لباس‌های رنگی و زیبا ولی چهره‌های خموده و غمگین.

دلنشانش مرا تکان داد: دلستان یک نسل‌کشی در سال ۱۹۹۴ که نشان می‌داد نفرت چه‌قدر می‌تواند دردناک و ویرانگر باشد، و چه سخت است که بخواهی با کسی که از او نفرت داری، بر سر میز صلح و سازش بنشینی.

در کالبدِ دیگری زیستن...

باید عکس دلستانِ لنخلی‌مان را از دلیوری تصاویری

بخش دوم کارگاه، ما را با روایت‌های عمیق‌تری درگیر

کرد؛ از جمله داستانی بلند از سوی یکی از تسهیلگران درباره روندا و روند آشتی ملی آن کشور.

بعد از آن، جمع به دو گروه تقسیم شد. یک گروه در نقش آدمی نشست که با یک انتخاب خوب می‌تواند همه‌چیز را تغییر دهد و راه تازه‌ای برای خودش باز کند؛ گروه دیگر در جای شخصیتی قرار گرفت که در محله‌ای پر از خشونت و خلاف بزرگ شده و به زندگی در این چرخه عادت کرده است. گفت‌وگویی میان این دو شکل گرفت: تلاشی برای قانع کردن دیگری، کشمکشی میان امید به تغییر و نیرویی که آدم را در گذشته نگه می‌دارد.

این تمرین برای من یکی از سخت‌ترین تجربه‌ها بود. وقتی باید در جای آدمی می‌نشستم که با می‌خواهد با خود یا تجربه‌ی زیسته‌اش یا حتی تصوراتش دلستان را برای دیگران روایت می‌کرد. و روایت‌ها تکان‌دهنده و تاثیرگذار بود.

کف سالن چیده شده بود انتخاب می‌کردیم و به بقیه توضیحش می‌دادیم. هر کس از دیدِ شخصی یک کار خوب همه چیز را تغییر دهد، یا کسی که در دل خشونت و عادت به زندگی در محله‌ای پر از جرم بزرگ شده، فهمیدم چقدر دشوار است که خودم را برابر با فرد مقابل ببینم. ما آدم‌ها ناخودآگاه خیلی زود قضاوت می‌کنیم، برچسب می‌زنیم و حتی خودمان را بالاتر از دیگری قرار می‌دهیم.

اما اصل تمرین همین جاست: اینکه یاد بگیریم بدون پیش‌زمینه منفی، بدون برتر دانستن خود، وارد گفت‌وگو شویم. به نظرم این تمرینی است که باید هر روز انجام داد؛ چون اگر بلد شویم طرف مقابل را نه از جایگاه خوب یا بد، بلکه از جایگاه انسانی ببینیم، از جایگاه انسانی قرار می‌دهیم، تغییر و هم‌زیستی پیدا می‌کنیم.

واژه‌ی تعارض منفی است یا مثبت؟

یکی از مهم‌ترین قسمت‌ها بحث درباره‌ی واژه‌ی «Conflict» بود. در ادبیات صلح، تعارض یا تضاد چیزی منفی تلقی نمی‌شود؛ برعکس، می‌گویند اگر تضاد نباشد رشدی هم رخ نمی‌دهد. خطرناک بودن تعارض به خودش نیست، بلکه به ابزارهایی برمی‌گردد که برای مواجهه با آن استفاده می‌کنیم؛ مثل توهین، تحقیر و خشونت.

مرحله بعد گروه‌بندی تصادفی بود. سه گروه شدیم و کارت‌هایی گرفتیم و باید ترتیبی برایشان تعیین می‌کردیم؛ نام برایشان می‌گذاشتیم و روایتشان می‌کردیم.

پس از پایان زمان، متوجه شدیم که این کارت‌ها مربوط به مدل نه مرحله تشدید تعارض است که توسط فردریک گلاسل، پژوهشگر اتریشی حوزه‌ی صلح و میانجی‌گری، مطرح شده است.

دیدن این روند روی کارت‌ها کمک می‌کرد بفهمیم یک اختلاف کوچک چطور می‌تواند قدم‌به‌قدم به یک جنگ بزرگ تبدیل شود.

در پایان هم جمع‌بندی برای مواجهه با تعارض معرفی شد و درباره‌ی سه سطح خشونت ــ ساختاری، فرهنگی و عیان ــ صحبت کردیم. اینکه گفت‌وگو و مشارکت فعال چه‌قدر می‌تواند در

یک کارگاه چهارساعته در اوج گرما و شلوغی روز، خستگی راتن آدم در کند برایم جالب بود.

یاد گرفتیم: حداقل من، که در سایه‌ی برقراری ارتباط با استفاده از روش‌های مختلفی که شخصی‌سازی شده می‌توان هر ساعت، هر روز، هر هفته، هر ماه و هر سال گامی کوچک به سوی صلح و سازش برداشت.

آنچه برای من مهم بود، این حس بود که شاید این کارگاه یه شکل غیررسمی اولین گام تیم قصه‌های صلح کودکان باشد. جایی برای تمرین فهم مشترک، برای کنار هم ایستادن و دیدن اینکه صلح فقط یک شعار نیست، بلکه مهارتی است که باید یاد گرفت، هر روز تمرینش کرد و پرورش داد.

توضیحات تکمیلی:

•موزه صلح تهران

موزه صلح تهران یکی از موزه‌های عضو شبکه بین‌المللی موزه‌های صلح است. هدف اصلی این موزه‌ها ترویج فرهنگ صلح از طریق نشان دادن پیامدهای ناگوار جنگ و خشونت و آثار زیانبار آن بر انسان‌ها و محیط زیست است.

موزه‌های صلح بیشتر از آنکه مکانی برای تماشای اشیاء تاریخی باشند، محلی برای گفتگو، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و فرهنگ‌سازی هستند. موزه صلح در ساختمان اهدایی شهرداری تهران واقع در در پارک شهر، در مرکز شهر تهران قرار دارد و بنیان‌گذاران آن اعضای انجمن حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی بودند.

این موزه بعنوان یک سازمان مردم نهاد (NGO) و تحت نظر هیئت مدیره اداره می‌شود اگر چه موضوع کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران و پیامدهای آن در این موزه بصورت برجسته‌تری مورد توجه قرار گرفته اما موضوعات دیگری همچون بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی در ژاپن، جنگ‌های جهانی اول و دوم، کاربرد سلاح‌های ممنوعه در جنگ‌ها (بمب‌های خوشه‌ای - مین و سلاح‌های حاوی اورانیم) و آثار و عوارض هر کدام از این سلاح‌ها در قسمت های دیگر موزه نشان داده شده است.

بخش‌های دیگر این موزه عبارتند از: کتابخانه صلح، گالری هنر برای صلح، کارگاه‌های آموزشی، بخش موزه مجازی و استودیوی ثبت تاریخ شفاهی. ساختمان موزه صلح تهران در سال ۱۳۸۹ به طور موقت برای بازسازی بسته شد و ساختمان جدید در تیرماه ۱۳۹۰ با حضور مهمانانی از کشورهای مختلف جهان از جمله رئیس موزه صلح هیروشیما و معاون شهردار تهران برای بازدید عمومی افتتاح شد.

•نمایشگاه صلح در شمار آید

"صلح در شمار آید" ترکیبی منحصربفرد از آموزش صلح و روزنامه‌نگاری صلح است. این پروژه از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ اجرا شد و با سفر گروهی از خبرنگاران به بیش از ۳۰ منطقه‌ی درگیر درگیری آغاز شد. تا درباره افرادی که برای صلح تلاش می‌کنند گزارش دهند. این گزارش‌ها در رسانه‌ها منتشر و به نمایشگاهی با عنوان «سازندگان صلح در جهان» تبدیل شد.

این نمایشگاه به مناطق درگیر آورده می‌شود تا نمونه‌های موفق صلح-ساز اهالی بخش مردم باشند و آن‌ها را تشویق به اقدام برای صلح در منطقه یا کشور خود کنند. همراه با نمایشگاه، برنامه آموزشی ویژه‌ای برای مربیان برگزار می‌شود که از مواد چندرسانه‌ای وبسته آموزشی صلح استفاده می‌کند. هدف برنامه آموزشی، تقویت هویت شرکت‌کنندگان به‌عنوان صلح‌ساز و تشویق آن‌ها به حل صلح‌آمیز درگیری‌هاست. شرکت‌کنندگان با روش‌های مختلف آموزش صلح آشنا می‌شوند و بسیاری از این روش‌ها را در محیط کاری یا آموزشی خود به‌کار می‌گیرند.

•کتاب صلح—قصه‌های صلح کودکان ایران

با هدایت رز لصاریون، "کتاب صلح — قصه‌های صلح کودکان ایران" پروژه‌ای منحصر بفرد است که کودکان سراسر ایران را به خلق داستان‌های مشارکتی درباره صلح دعوت می‌کند. این پروژه فرهنگی-آموزشی با الهام از نگاه کودکانه به صلح، فرهنگ بومی و هنر جمعی، مهارت‌هایی مثل همدلی، همکاری گروهی، گفت‌وگو و حل مسئله را در کودکان تقویت می‌کند.

قصه‌ها با حضور کودکان و با راهنمایی تیمی از متخصصان صلح، ادبیات و تصویرسازی تولید می‌شوند و پرنده صلح، نماد اصلی کتاب، در کنار شخصیت‌های محلی و عناصر طبیعی، جهان داستان‌ها را زنده می‌کند. هر قصه بازتاب‌دهنده فرهنگ و نمادهای منطقه‌ای است و نمایانگر آرزوهای صلح‌طلبیه کودکان ایران است.

این جلسه کارگاهی، به‌نوعی اولین قدم برای جمع کردن کارگروه‌های مختلف این پروژه و امکان گفت‌وگو و مشارکت جهت دستیابی به مفهومی مشترک و درکی عمیق از ایده پیش رو بود.

پروژه‌های آموزشی و صلح‌آمیز در آلمان

•مدل نه مرحله تشدید تعارض:

مدل نه مرحله تشدید تعارض (Conflict Escalation) توسط فردریک گلاسل (Friedrich Glasl)، پژوهشگر اتریشی حوزه‌ی صلح و میانجی‌گری، مطرح شده است.

گلاسل توضیح می‌دهد که تعارض‌ها (در سطح فردی، گروهی یا سازمانی) معمولاً به صورت پله‌ای و مرحله‌به‌مرحله از اختلاف ساده به درگیری‌های مخرب و حتی ویرانگر می‌رسند.

او این روند را در ۹ مرحله دسته‌بندی کرده:

۱. سخت شدن موضع‌ها (Hardening)

اختلاف‌نظر بروز می‌کند، اما هنوز امکان گفت‌وگوی منطقی و حل مسأله وجود دارد.

۲. بحث و جدل (Debates & Polemics)

طرفین وارد بحث‌های تند و تلاش برای اثبات خود می‌شوند؛ زبان به سمت تقابل می‌رود.

۳. کنش، نه کلام (Actions, not Words)

بی‌اعتمادی زیاد می‌شود؛ طرفین کمتر حرف می‌زنند و بیشتر با عمل یا رفتار غیرکلامی مخالفت نشان می‌دهند.

۴. تصویرسازی منفی (Images & Coalitions)

هر طرف، از دیگری تصویر منفی می‌سازد، برچسب می‌زند و برای خود متحد و گروه حمایتی پیدا می‌کند.

۵. از دست دادن چهره (Loss of Face)

تخریب وجهه طرف مقابل بطور مستقیم آغاز می‌شود: تحقیر، تمسخر و آشکارا بی‌اعتبار کردن.

۶. تهدید استراتژیک (Strategies of Threat)

تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم مطرح می‌شود: "اگر این کار را نکنی، فلان اتفاق می‌افتد".

۷. ضربه‌های محدود (Limited Blows)

طرفین شروع به آسیب رساندن واقعی، اما محدود، می‌کنند (مثل اخراج، تحریم، یا رفتار خصمانه مستقیم)

۸. نابودی دشمن (Fragmentation / Devastating Blows)

هدف دیگر فقط دفاع یا پیروزی نیست، بلکه نابودی طرف مقابل می‌شود.

۹. یا هم به سوی سقوط (Together into the Abyss)

آخرین مرحله: هر دو طرف حاضرند حتی به قیمت نابودی خود، طرف مقابل را نابود کنند.

گلاسل معتقد است که هرچه تعارض در مراحل پایین‌تر مدیریت شود، امکان بازگشت و حل مسأله بیشتر است. اما از مرحله ۴ به بعد، نقش میانجی‌گر و مداخله‌ی بیرونی ضروری می‌شود و در مراحل نهایی تقریباً فقط مداخله شدید (مثلاً حقوقی یا بین‌المللی) می‌تواند جلوی فاجعه را بگیرد.

•بنیاد برگهوف

بنیاد برگهوف (Berghof Foundation) یک سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی مستقر در آلمان است که از سال ۱۹۷۱ با هدف پیشبرد صلح و تحول درگیری‌ها فعالیت می‌کند. این بنیاد با رویکردی علمی و عملی، در بیش از ۵۰ کشور جهان پروژه‌های متعددی را در زمینه‌های مختلف صلح و آموزش صلح اجرا کرده است.

بنیاد برگهوف بر این باور است که درگیری‌ها اجتناب‌ناپذیر هستند، اما خشونت نه. این سازمان با ایجاد فضاهایی برای تعامل و گفت‌وگو، تلاش می‌کند تا درگیری‌ها را به فرایندهای سازنده و غیرخشونت‌آمیز تبدیل کند. این رویکرد در سه حوزه اصلی فعالیت می‌کند:

عملی: حمایت از تلاش‌های میدانی برای دستیابی به صلح پایدار از طریق تحول درگیری‌ها و آموزش صلح

یادگیری: توسعه منابع آموزشی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای افرادی که با درگیری‌ها روبه‌رو هستند

تحقیق: مطالعه و تحلیل علل درگیری‌ها و ارائه راهکارهای علمی برای پیشبرد صلح.